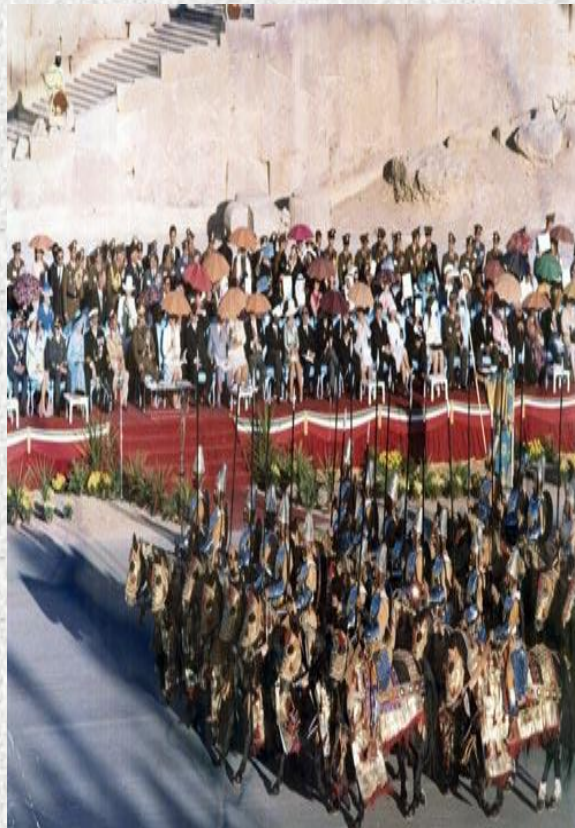


درس نوزدهم

تحولات ایران پس از تبعید امام خمینی



در این درس مهم ترین تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی

ایران در فاصله ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ش

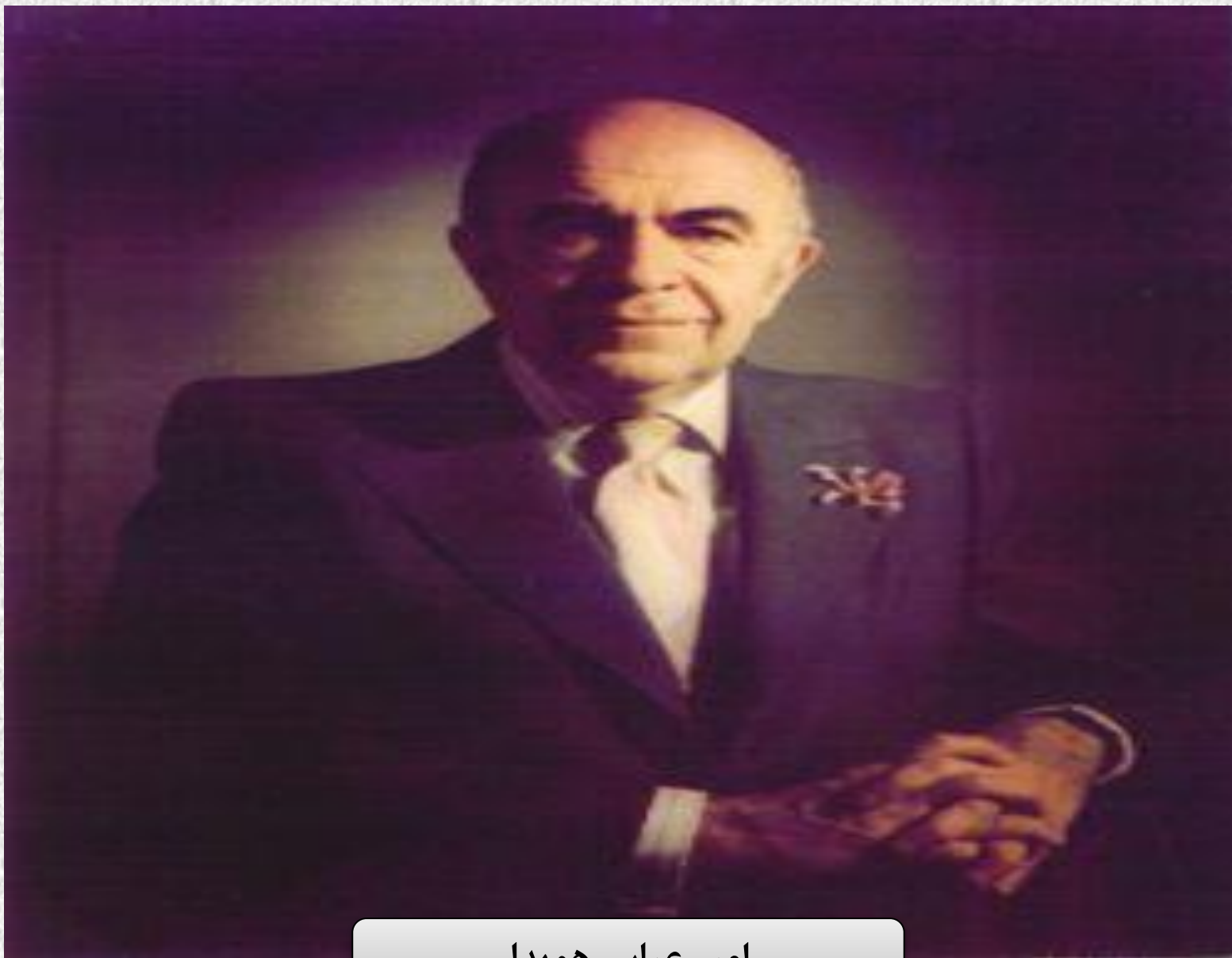
و تداوم مبارزه امام خمینی و ملت ایران

با رژیم پهلوی مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد.

اوضاع سیاسی ایران در فاصله ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ش

سیاسی داخلی

در این سال ها **امیر عباس هویدا** نخست وزیر بود. دوران نخست وزیری او که **۱۳ سال طول** کشید، اوج استبداد و دیکتاتوری محمد رضا شاه، در ایران است. نخست وزیر، وزیران، نمایندگان مجلس شورای ملی و مجلس سنا و حتی مقامات پایین تر آن، بر اساس میل و خواسته شاه عزل و نصب و یا انتخاب می شدند.



امير عباس هويدا



محمد رضا شاه پهلوی و امیر عباس هویدا

شاه در تمام امور و شئون کشور دخالت می کرد
و دولت و دو مجلس ، مجری فرامین او بودند.

محمد رضا شاه حتی حزب های فرمایشی و
دولت ساخته را **تعطیل** و نظام **تک حزبی** برقرار کرد
و همه مردم را مکلف ساخت که در حزب شاه،
یعنی **حزب رستاخیز** عضویت یابند.

در سال های مذکور، شاه با تبلیغات وسیع،
اصلاحات موسوم به **انقلاب سفید** را به اجرا گذاشت.

تمام رسانه ها و ابزارهای تبلیغی رژیم مأموریت
داشتند از برنامه های انقلاب سفید
تعریف و تمجید کنند.

در عرصه فرهنگی، رژیم برنامه های گسترده ای را به قصد تضعیف ارزش های دینی و ملی و ترویج فرهنگ غربی تدارک دید. شاه جشن های تاج گذاری و جشن های ۲۵۰۰ ساله را به همین منظور و با نوعی حس تفاخر برگزار کرد. این جشن ها رؤیاهای بلند پروازانه شاه بود.

او در مقایسه با بسیاری از شخصیت های مطرح جهان فاقد مقبولیت مردمی بود و برای کسب اعتبار کاذب، در صدد برآمد، حکومت و شخصیت خود را به کوروش؛ پادشاه بزرگ هخامنشی پیوند زند و او از این طریق محبوبیت و مشروعیتی کسب کند.



جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی



جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی

تغییر تقویم هجری شمسی

او با این کار، چندین هزار سال تمدن ایران باستان
قبل از هخامنشیان و نیز هزار و چهار صد سال از
تمدن ایران اسلامی را نادیده گرفت.

تغییر تقویم هجری شمسی به تقویم شاهنشاهی نیز در
همین راستا بود.
نتیجه این اقدام ها،
تخریب و تضعیف مؤلفه های هویت ملی بود.

حکومت شاه در فاصله سال های ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ ش، سیاست فشار بر منتقدان و سرکوب مخالفان را شدت بخشید.

نیروهای ساواک، شهربانی و ژاندارمری برای مقابله با مردم بسیج شدند؛ برای هماهنگی مطلوب در میان نیروهای سرکوبگر، کمیته مشترک ضد خرابکاری شکل گرفت.

دستگیری، حبس، تبعید و ممنوع المنبر کردن، کمترین اقدام نیروهای امنیتی رژیم در برابر منتقدان و مخالفان بود.

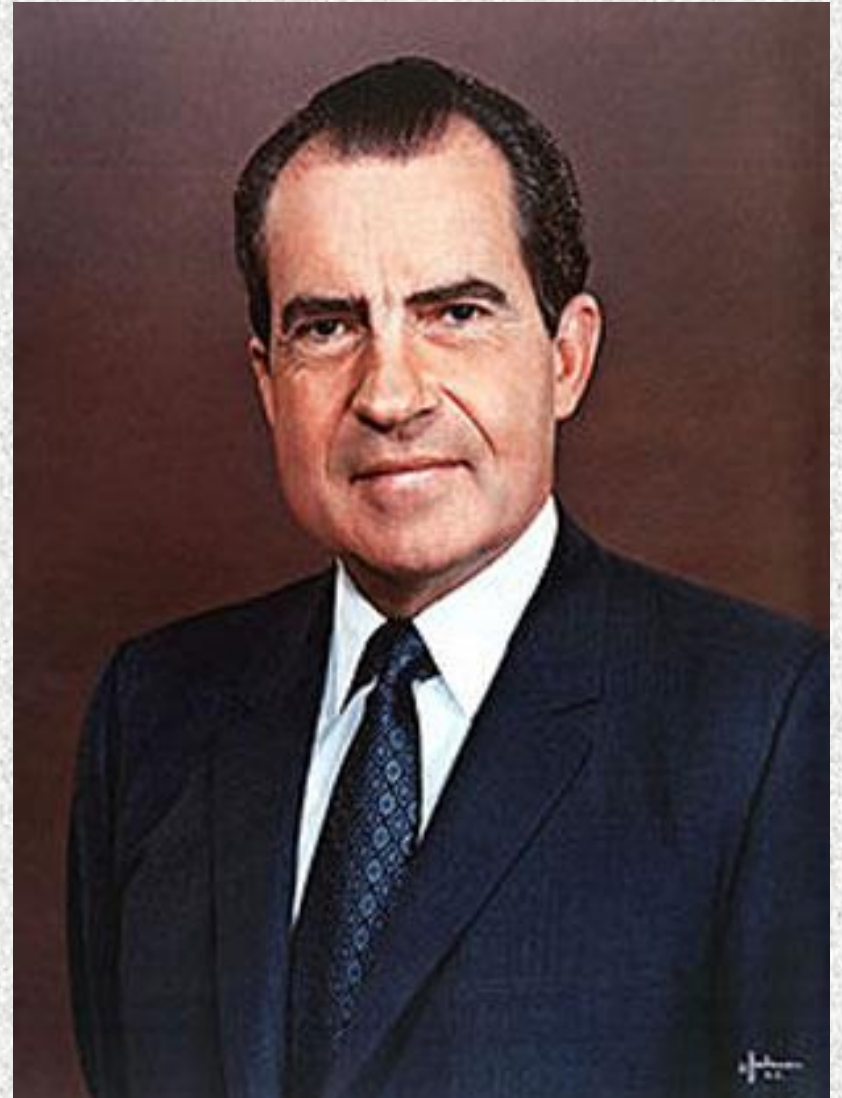
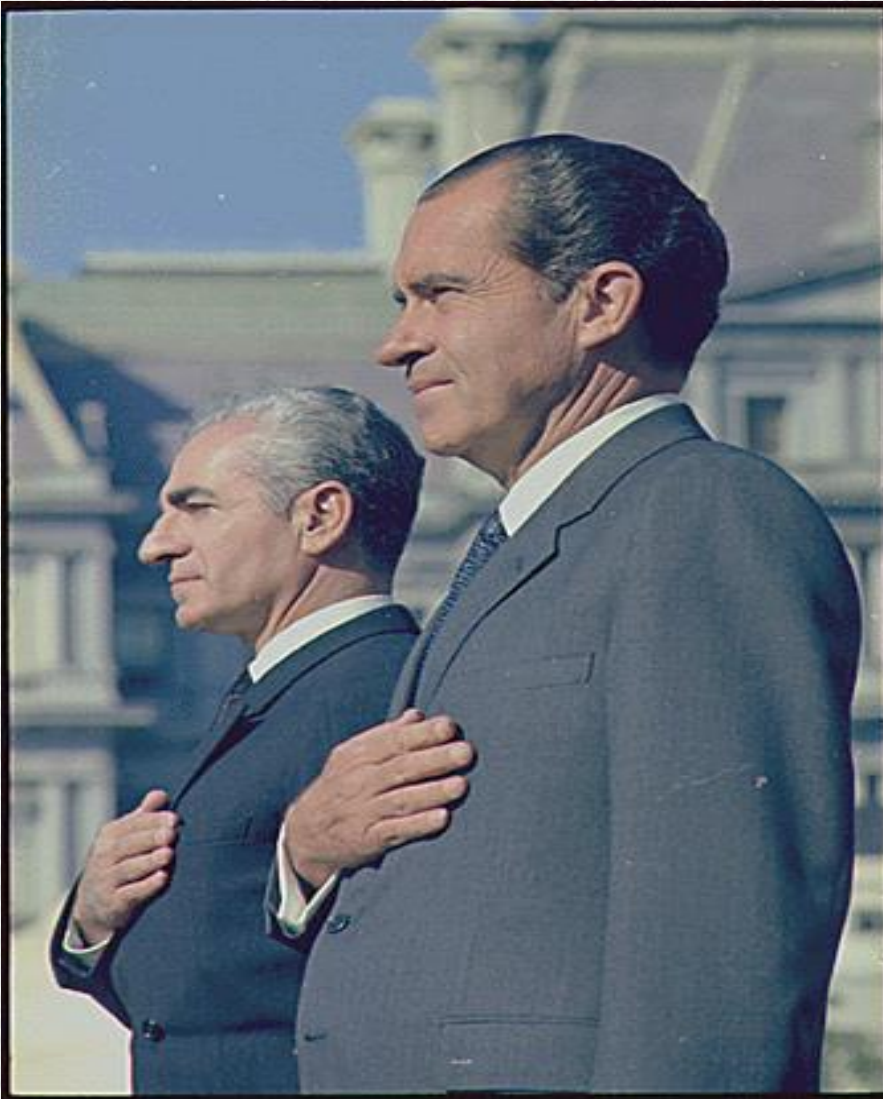
شدیدترین برخوردها با مخالفان در فاصله سال های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵ صورت گرفت.

در این سال ها ساواک وحشیانه ترین شیوه های شکنجه را علیه مبارزان
به کار برد؛
جمع زیادی در زیر شکنجه شهید شدند و برخی دیگر تیرباران شدند.

زندانی و تبعید کردن روحانیان، دانشمندان، فرهنگیان، استادان دانشگاه و
نویسندگان پیامدهای منفی بسیاری برای رژیم داشت. بر اسا اعلام سازمان
عفو بین المللی ، ایران در سال های مذکور، از نظر تعداد زندانیان سیاسی ،
مقام سوم را در جهان داشت.

سیاسی خارجی حکومت پهلوی در فاصله سال های
۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ ، همچون سال های پیش از آن و حتی بیشتر
از آن تحت تأثیر منافع و اغراض قدرت های بزرگ جهان
و به خصوص آمریکا قرار داشت.

در این سال ها سلطه سیاسی، نظامی و اقتصادی آمریکا
بر ایران افزایش یافت. با انتخاب **ریچارد نیکسون**
از **حزب جمهوری آمریکا**، این کشور **نقش ژاندارمی منطقه**
خلیج فارس را به شاه واگذار کرد.



ریچارد نیکسون و محمد رضا شاه



ملاقات ریچارد نیکسون و محمد رضا شاه

روابط حکومت پهلوی

روابط حکومت پهلوی در این دوران با سایر کشورهای غربی

از جمله انگلستان نیز گرم و دوستانه بود.

شاه همچنین با شوروی که رقیب و دشمن آمریکا بود، مناسبات

سیاسی نسبتاً دوستانه ای داشت و به رغم سلطه آمریکا بر ایران،

روابط حکومت پهلوی با شوروی سرد و خصومت آمیز نبود.

خریدهای تسلیحاتی سنگین رژیم پهلوی و پیامدهای آن

محمد رضا شاه که قدرتش را بر پایه های **دیوان سالاری دولتی، دربار و ارتش** استوار ساخته بود، به پیروی از پدرش رضا شاه، به طور غیر معقولی، به خرید تسلیحات نظامی روی آورد، به گونه ای که از سال ۱۹۷۴م/ ۱۳۵۳ ش به بعد، شاه **اولین مشتری سلاح های جنگی آمریکا** در دنیا بود. سهم ایران در هزینه های نظامی نسبت به تولید ناخالص ملی به طور متوسط سه برابر بیشتر از آمریکا و یا شوروی و شش برابر بیشتر از کشورهای فرانسه و انگلستان بود. شاه به طور متوسط، **سالیانه بیش از ۳۰ درصد** از بودجه دولت را صرف هزینه های نظامی می کرد.

افزایش خرید تسلیحات نظامی ایران از آمریکا، موجب
وابستگی بیشتر ایران به آمریکا و حضور گسترده
مستشاران آمریکایی در کشور ما شد؛ به گونه ای که
بیشترین تعداد مستشاران آمریکایی در یک کشور خارجی،
در ایران حضور داشتند و این تعداد در اواخر حکومت پهلوی
به **۹۰ هزار نفر** رسید.

افزایش سرسام آور بودجه نظامی آثار زیانباری بر اقتصاد ایران داشت. صنعت و به ویژه کشاورزی کشور ما به تدریج به سمت وابستگی پیش می رفت. فرایند این وابستگی به سود آمریکا بود؛ زیرا درآمد حاصل از نفت، صرف واردات کالاهایی می شد که پیش از اصلاحات آمریکایی و انقلاب به اصطلاح سفید، کشاورزان و صنعت گران ایرانی تولید می کردند؛ بنا بر این دلارهای نفتی، بار دیگر به مبدأ اولیه خود یعنی کشورهای غربی، به ویژه آمریکا باز می گشت.

همچنین شاه، بخشی قابل توجه از درآمدهای نفتی

را به **خرید سهام** و سرمایه گذاری در شرکت های

ورشکسته اروپایی و آمریکایی

و **دادن وام به کشورهای وابسته به بلوک غرب**، اختصاص داد.

گسترش فساد اقتصادی در ارکان حکومت پهلوی

فساد و دخالت های بی رویه خاندان سلطنت در اقتصاد ایران،
باعث نا به هنجاری مختلفی شد.

اعضای خانواده پهلوی، از طریق درآمد حاصل از فروش
زمین های متصرفی در دوره رضا شاه و برداشت بیش از
دو میلیارد دلار از درآمدهای نفتی، ثروت زیادی اندوختند.

آنان همچنین از قمارخانه ها و سایر مکان های فساد، قاچاق مواد مخدر، دلالی معامله های خارجی و مشارکت نامشروع در سهام صدها شرکت خصوصی و دولتی ، سود کلانی می بردند.

در رأس آن ها، شخص شاه و برادران و خواهرانش قرار داشتند.

همه ارکان حکومت، اعم از نیروهای امنیتی، نظامی و اداری، در خدمت افزایش این ثروت های باد آورده بودند. «منابع غربی دارایی های خانواده سلطنتی در ایران و خارج از کشور را بین پنج تا بیست و پنج میلیارد دلار برآورد کرده اند.»

استمرار مبارزه پس از تبعید امام خمینی

« من برای دفاع از وطنم تبعید شده ام »
این اولین سخن امام خمینی هنگام تبعید
به ترکیه با افسر مأمور
در درون هواپیما بود.

امام خمینی در تاریخ ۱۳ مهر ماه ۱۳۴۴ از ترکیه به
نجف اشرف تبعید شد.

در نجف ، استقبال کم نظیری و با
شکوهی از امام به عمل آمد.

شاه با تبعید امام می خواست رهبری نهضت را از ایران دور سازد تا
شعله های بیداری را در ایران خاموش کند.

به همین منظور ساواک برای جلوگیری از ارتباط امام با ملت ایران تلاش
های زیادی انجام داد، حتی از چاگ و توزیع رساله امام خمینی به شدت
جلوگیری و دارنده آن را **۶ ماه تا ۲ سال** به زندان محکوم می کرد.

فعالیت های امام در دوران تبعید

امام در دوران تبعید با مواضع شجاعانه، هوشمندانه و نیز ساده زیستی مثال زدنی اش همه محدودیت ها و تنگناها را تحمل کرد.

او در اعماق دل مردم ایران و مبارزان مسلمان در کشورهای اسلامی و آزادی خواهان جهان جای گرفت. صفات و ویژگی هایی که یکجا در امام جمع شده بود، از وی شخصیت بی بدیل و متمایزی ساخته بود.

امام خمینی در دوران تبعید
پیوسته مردم را به استقامت دعوت می کرد
و به آنان امید می بخشید.
ایشان ضمن تحلیل های روشنگرانه درباره مسائل ایران و
حوادث خاورمیانه به ویژه جنگ اعراب و اسرائیل،
همواره خطر سلطه همه جانبه آمریکا بر ایران و پیامدهای
فرهنگی و سیاسی ناشی از آن
(که عظمت و استقلال ایران را مخدوش می کرد)،
گوشزد می کرد.

امام خمینی نیز کوشید
میان روحانیون و دانشگاهیان در مبارزه علیه شاه
وحدت ایجاد کند.
وی خطاب به روحانیون می فرمود:

«شما دانشگاهیان را از خودتان دور نکنید؛ زیرا مقدرات
ایران فردا به دست آنها است»

امام برای حفظ پایه های دین و استقلال ایران، پیوند و احترام متقابل میان طبقات روحانی و دانشگاهی را ضروری می دانست.

امام ضمن **تبیین نظریه حکومت اسلامی** که پیش از این در کتاب **کشف الاسرار** به طرح آن پرداخته بودند، به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی بر پایه ماهیت سیاسی و اجتماعی دین مبین اسلام، اهتمام ورزیدند.

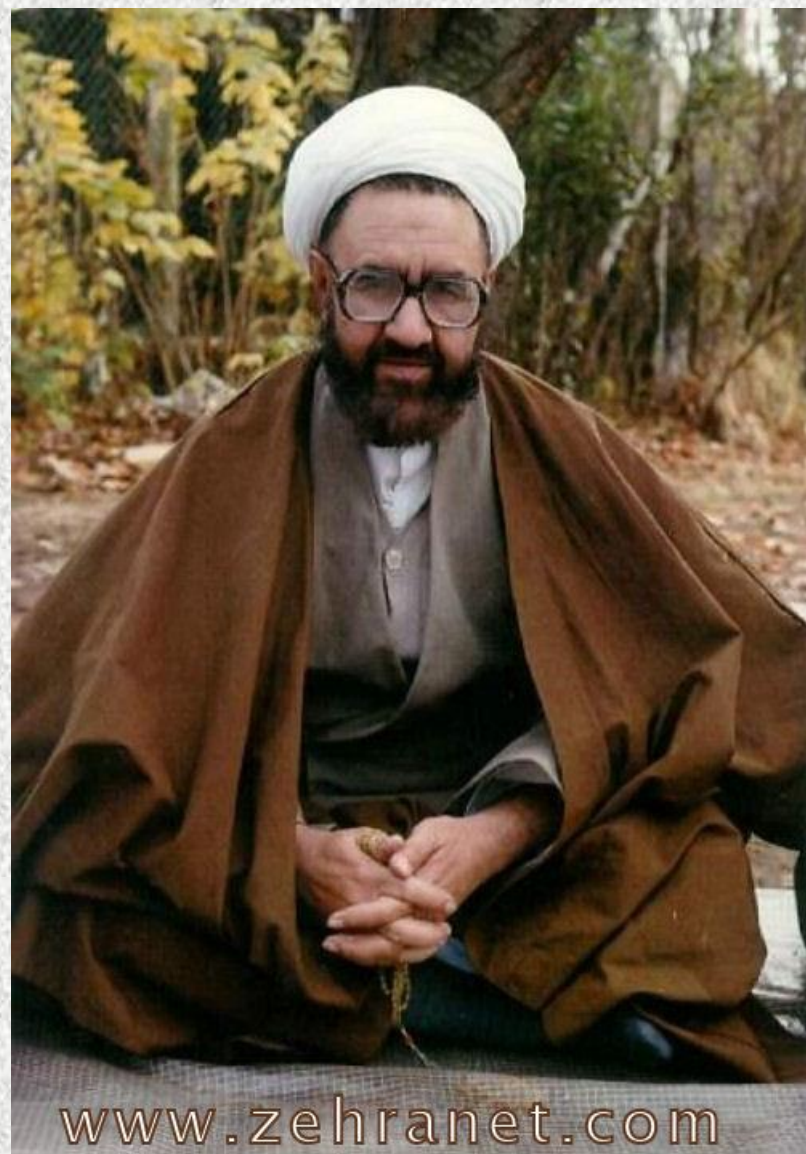
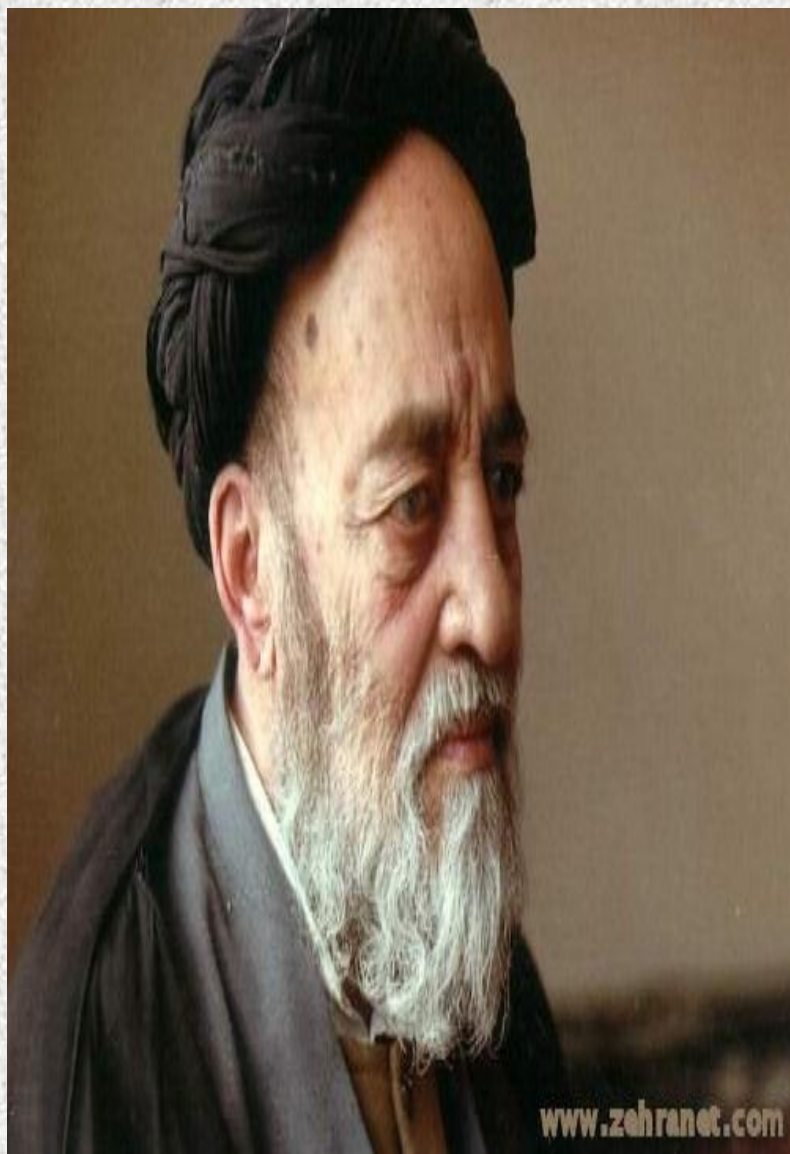
جنبش دانشجویی در دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ آرمان هایی
مانند عدالت اجتماعی، استقلال، آزادی و پیشرفت کشور
را سر لوحه برنامه های خود قرار داد.

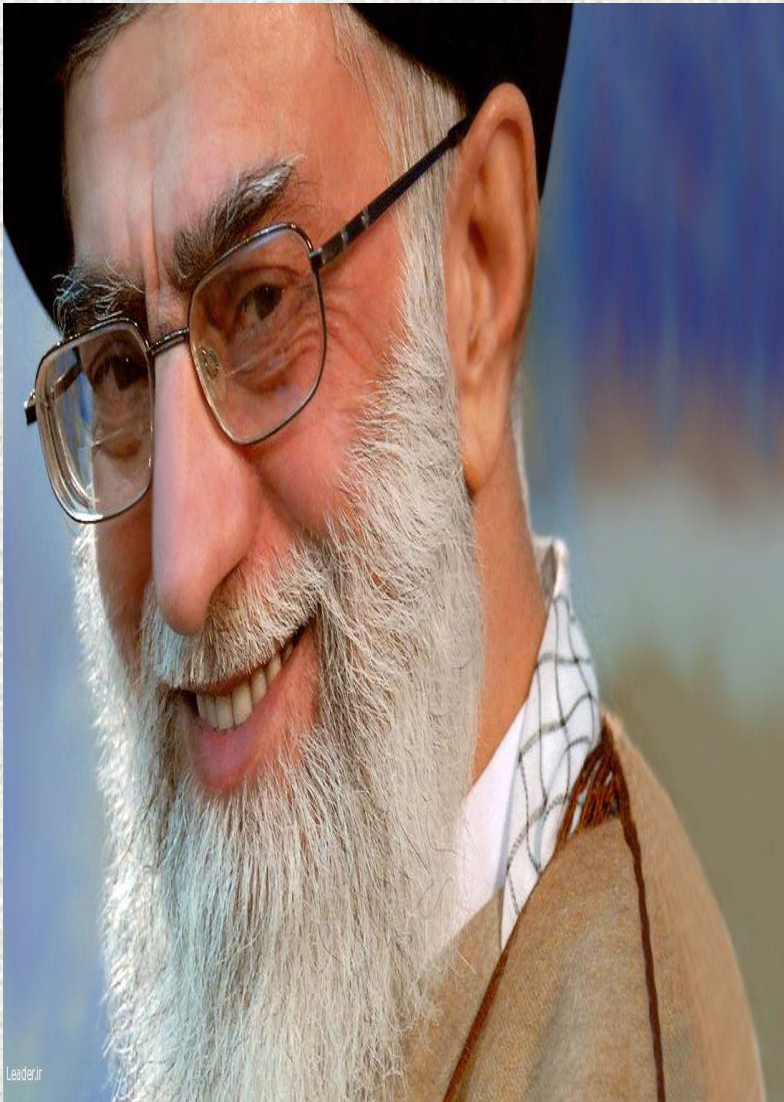
این جنبش پس از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ با روحانیت و دین
پیوند استواری برقرار کرد.

انجمن های اسلامی دانشجویان که پیش از این
در دانشگاه تهران شکل گرفته بود، در سایر دانشگاه های
ایران توسعه یافت.

این تشکل دانشجویی محور فعالیت های خود را
بر موضوعات فرهنگی و مقابله با افکار مارکسیستی و الحادی
و مخالفت با ایده جدایی دین از سیاست متمرکز ساخت.

گرایش محمد رضا شاه به فرهنگ غرب باعث تضعیف هویت ملی (ایرانی و اسلامی) و ایجاد پدیده **از خود بیگانگی فرهنگی** در جامعه شد. در این زمان اندیشمندان و روشنفکران دانشگاهی و حوزوی، در برابر مسخ فرهنگ و ارزش های جامعه ایرانی، برای احیای هویت دینی و بازگشت به خویشتن تلاش های فرهنگی گسترده ای کردند که می توان به نقش شخصیت هایی چون علامه طباطبایی، شهید مطهری، دکتر بهشتی، آیت الله خامنه ای، آیت الله هاشمی رفسنجانی، آیت الله مکارم شیرازی، دکتر باهنر، مهندس بازرگان، جلال آل احمد، دکتر شریعتی، دکتر مفتاح، علامه جعفری و علامه امینی (صاحب الغدیر) اشاره کرد.







IQNA

IQNA/Photo: Amir Hesaminejad







مخالفان رژیم پهلوی. در این زمان **سه گروه** بودند:
گروه اول؛ **مسلمانان انقلابی** که با اعتقاد به رهبری امام خمینی
مبارزه می کردند و به مبارزه به عنوان یک وظیفه اسلامی و
تکلیف شرعی می نگریستند.
از دیدگاه امام خمینی، بهترین راه مبارزه با شاه، افزایش آگاهی
عمومی و بسیج همگانی برای مبارزه ای فراگیر بود.

این طیف، با تأثیر پذیرفتن از اندیشه های مارکسیستی،
راه رهایی را، در پیروی از نظریه های مارکسیستی می دیدند.
از دیدگاه اغلب آنان،

«تنها راه رهایی، جنگ مسلحانه» بود.

تعلیم و تربیت چریک و به راه انداختن جنگ چریکی
علیه حکومت پهلوی، از جمله اصلی ترین روش های آنان
برای مبارزه بود.

اغلب آن ها اعتقادی به

تغییر رژیم سلطنتی پهلوی نداشتند

و معتقد بودند باید اصل سلطنت را پذیرفت

ولی در جهن کاهش خودکامگی شاه تلاش کرد.